

ترازنامه متورم و روش های جایگزین برای اجتناب از سودهای غیرمنتظره منفی

حسن فرج زاده دهکردی^۱

حسن همتی^۲

هاله سنایی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۴/۹/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۱۰

چکیده

این مقاله وضعیتی را مطالعه می کند که متورم بودن ترازنامه، استفاده از اقلام تعهدی اختیاری به منظور مدیریت سود افزایشی را با محدودیت مواجه می سازد. ترازنامه متورم به واسطه استفاده از اقلام تعهدی اختیاری در دوره های گذشته و انباشت این اقلام در خالص دارایی های عملیاتی شرکت ها بروز می کند. در چنین شرایطی پیش بینی می شود، شرکت ها به منظور اجتناب از گزارش سود غیرمنتظره منفی (عدم تحقق پیش بینی های سود)، مدیریت سود واقعی و مدیریت پیش بینی های سود را در دستور کار خود قرار می دهند. به منظور آزمون این پیش بینی از داده های ۲۴۳ شرکت، مشتمل بر ۲،۲۳۳ مشاهده شرکت-سال در طی دوره زمانی ۹۱-۱۳۸۰ و رگرسیون لجستیک با اثرات ثابت استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان می دهد، در زمانی که خالص دارایی های عملیاتی شرکت ها به واسطه استفاده از اقلام تعهدی اختیاری بیش از واقع گزارش شده اند، احتمال استفاده مدیران از مدیریت سود واقعی افزایشی برای تحقق سود پیش بینی شده و همچنین مدیریت کاهشی پیش بینی های سود به منظور کاستن انتظارات سرمایه گذاران، افزایش می یابد تا به این وسیله شرکت ها از گزارش سود غیرمنتظره منفی اجتناب کنند.

واژه های کلیدی: اقلام تعهدی اختیاری؛ مدیریت کاهشی پیش بینی سود؛ مدیریت سود واقعی؛ سود غیرمنتظره منفی.

۱- استادیار گروه حسابداری موسسه آموزش عالی رجاء ha.farajzadeh@yahoo.com
۲- استادیار گروه حسابداری موسسه آموزش عالی رجاء hemmati_h433@yahoo.com
۳- کارشناس ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی رجاء sanaee90@gmail.com

۱- مقدمه

مطالعات پیشین نشان داده‌اند که مدیران تمایل دارند سودی که شرکت در پایان دوره گزارش می‌کند، حداقل به اندازه پیش‌بینی‌هایی باشد که پیش از این از سوی مدیریت یا تحلیل‌گران مالی مطرح شده‌است (برای مثال، دوویل و همکاران^۱، ۲۰۱۳؛ هو و همکاران^۲، ۲۰۱۲؛ گانی^۳، ۲۰۱۰). از آنجا که پایین‌تر بودن سود واقعی از سود پیش‌بینی شده، که به آن "سود غیر منتظره منفی"^۴، گفته می‌شود واکنش نامطلوب بازار را به دنبال دارد و باعث نامطلوب ارزیابی شدن عملکرد مدیریت می‌شود، شرکت‌ها راهبردهایی را برای کاهش احتمال عدم تحقق سود پیش‌بینی شده بکار می‌گیرند.

بر اساس مبانی نظری تحقیق، شرکت‌ها به سه روش از سود غیر منتظره منفی اجتناب می‌کنند: (۱) مدیریت سود افزایشی از طریق بکارگیری اقلام تعهدی اختیاری، (۲) استفاده از مدیریت سود واقعی افزایشی و (۳) مدیریت انتظارات بازار و سرمایه‌گذاران از طریق ارائه پیش‌بینی سود در سطح پایین (مدیریت کاهش پیش‌بینی سود)^۵. تحقیقات پیشین این سه روش را مکانیزم‌های مکملی در نظر می‌گیرند که مدیران با بکارگیری همزمان آنها تلاش می‌کنند از سود غیر منتظره منفی اجتناب کنند (بارتو و همکاران^۶، ۲۰۰۲؛ ماتسوموتو^۷، ۲۰۰۲؛ بارتون و سیمکو^۸، ۲۰۰۲؛ براگستلر و ایمس^۹، ۲۰۰۶).

در گام نخست، مدیران شرکت‌ها ترجیح می‌دهند که از اقلام تعهدی اختیاری افزایشی برای اجتناب از سود غیر منتظره منفی استفاده کنند، زیرا به نظر می‌رسد این روش در مقایسه با دیگر روش‌ها ساده‌تر است، مدیریت کنترل و توانایی بیشتری در اعمال آن دارد و پیامدهای

آن در بازار سرمایه و همچنین بر عملیات شرکت کمتر است. با این وجود در دنیای واقعی استفاده از اقلام تعهدی اختیاری برای مدیریت افزایشی سود، بدون محدودیت و هزینه نیست. اصول و استانداردهای پذیرفته شده حسابداری، محدودیت‌هایی را برای بکارگیری اقلام تعهدی اختیاری ایجاد می‌کنند. همچنین استفاده بیش از حد از اقلام تعهدی اختیاری می‌تواند واکنش حساب‌رسان و بازار سرمایه را در پی داشته باشد. به ویژه آن که ماهیت اقلام تعهدی اختیاری به گونه‌ای است که اثر آنها در دوره‌های مالی بعد معکوس می‌شود و همچنین اقلام ترانزانه منجر به تجمع و انباشت اثرات اقلام تعهدی می‌شوند و به نوعی نمایانگر میزان استفاده مدیریت از اقلام تعهدی اختیاری در دوره‌های گذشته خواهند بود و بکارگیری این اقلام در دوره جاری را با محدودیت مواجه می‌سازند.

به واسطه وجود محدودیت در بکارگیری اقلام تعهدی برای مدیریت افزایشی سود و همچنین معکوس شدن اقلام تعهدی مدیریت شده در دوره(های) آتی، انتظار می‌رود مدیران برای اجتناب از سودهای غیر منتظره، اقدام به مدیریت سود واقعی افزایشی یا مدیریت کاهش پیش‌بینی سود نمایند. به ویژه در آن دوره‌های زمانی که در بکارگیری اقلام تعهدی اختیاری برای مدیریت سود، محدودیت بیشتری وجود دارد، تحقق این پیش‌بینی محتمل‌تر است.

در این تحقیق استفاده از مدیریت سود واقعی افزایشی و مدیریت کاهش پیش‌بینی‌های سود در زمانی که شرکت در بکارگیری اقلام تعهدی اختیاری با محدودیت مواجه است، بررسی می‌شود. از آنجا که بکارگیری اقلام تعهدی اختیاری در دوره(های) گذشته برای

مدیریت سود افزایشی، باعث متورم شدن ترازنامه می‌شود، می‌توان متورم بودن ترازنامه را نشانه مدیریت سود در دوره‌های گذشته دانست و از آن به عنوان معیاری جهت تعیین محدودیت در دوره جاری در بکارگیری ارقام تعهدی اختیاری برای مدیریت سود استفاده کرد. در چنین موقعیتی، مدیریت شرکت جهت تحقق یافتن سود پیش‌بینی شده به راه کارهای جایگزینی مانند مدیریت سود واقعی و پیش‌بینی کاهش سود، روی می‌آورد. به این ترتیب، موضوع تحقیق حاضر، بررسی رابطه بین مدیریت سود واقعی و پیش‌بینی سود کاهش با میزان متورم بودن ترازنامه است.

نشان دادند شرکت‌هایی که توانسته‌اند سود پیش‌بینی شده تحلیل‌گران را محقق سازند، در مقایسه با شرکت‌هایی که سود غیر منتظره منفی را تجربه کرده‌اند، به بازده بسیار بالاتری دست یافته‌اند. همچنین، کاسزینیک و مک‌نیکلاس^{۱۱} (۲۰۰۲) نیز نشان دادند شرکت‌های دارای سود غیر منتظره مثبت، در فصل‌های بعدی بازده و ارزش بازار بالاتری به دست آورده‌اند. علاوه بر آن، اسکینر و اسلون^{۱۲} (۲۰۰۲) نشان دادند که بازار، واکنش غیر مقارنی نسبت به سودهای غیر منتظره از خود نشان می‌دهد. به این ترتیب که واکنش منفی بازار به سود غیر منتظره منفی، بزرگ‌تر از واکنش مثبت بازار به سود غیر منتظره مثبت است.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

۲-۱- سود غیر منتظره و انگیزه‌های مدیریت آن

سود غیر منتظره هنگامی به وجود می‌آید که سود فصلی یا سالانه شرکت بالاتر یا پایین‌تر از پیش‌بینی‌های رسمی مدیریت یا تحلیل‌گران باشد. همچنین سود غیر منتظره در زمانی که انتظارات ضمنی (تلویحی) سرمایه‌گذاران در خصوص سود، با مبلغ گزارش شده توسط شرکت، متفاوت باشد نیز به وجود می‌آید. معمولاً انتظارات سرمایه‌گذاران و پیش‌بینی‌های مدیران و تحلیل‌گران مالی، بر مبنای تجربیات آنان قرار دارد و این تجربیات در سودهای فصول و سال‌های گذشته، شرایط کنونی بازار و وضعیت اقتصادی، ریشه دارد (براون^۱، ۱۹۹۷).

مدیران برای اجتناب از سود غیر منتظره منفی، یعنی زمانی که مبلغ سود تحقق یافته کمتر از سود پیش‌بینی شده‌است، انگیزه‌های بسیار زیادی دارند. زیرا سودهای غیر منتظره منفی می‌تواند واکنش منفی بازار را به دنبال داشته‌باشد (براون و پینلو، ۲۰۰۷). براتو و همکاران (۲۰۰۲) و دوایل و همکاران (۲۰۱۳)

۲-۲- مکانیزم‌های اجتناب از سود غیر منتظره منفی

با توجه به پیامدهای با اهمیت سود غیر منتظره منفی، مدیران شرکت‌ها تلاش خواهند کرد تا از گزارش سود غیر منتظره منفی اجتناب و به عبارت دیگر، آن را مدیریت کنند. سه روش شناسایی شده که شرکت‌ها با استفاده از آن از گزارش سود غیر منتظره منفی اجتناب می‌کنند، عبارتند از: (۱) مدیریت سود افزایشی از طریق ارقام تعهدی اختیاری، (۲) مدیریت سود واقعی افزایشی و (۳) مدیریت کاهش انتظارات (پیش‌بینی‌ها).

مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی اختیاری به شرایطی اشاره دارد که شرکت با استفاده از برآوردها و قضاوت‌های (اختیارات) حسابداری، سود خود را مدیریت می‌کند (شپیر^۳، ۱۹۸۹؛ هیلی و والن^۴، ۱۹۹۹). هنگامی که مدیران در می‌یابند به واسطه عملکرد واقعی، قادر به محقق ساختن پیش‌بینی‌های صورت گرفته در خصوص سود دوره نمی‌باشند، تلاش می‌کنند تا از طریق اعمال اختیارات خود در بکارگیری ارقام تعهدی اختیاری، به سود پیش‌بینی

شده دست‌یابند و از عواقب سود غیر منتظره منفی اجتناب کنند (ماتسوموتو، ۲۰۰۲). محققانی نظیر براگستالر و ایمز (۲۰۰۶) نشان دادند مدیران از طریق بکارگیری اقلام تعهدی اختیاری افزایشی تلاش می‌کنند از بروز سود غیرمنتظره منفی اجتناب کنند و حتی به سود غیر منتظره مثبت دست‌یابند.

روی چودهری^{۱۵} (۲۰۰۶) در تحقیق خود عنوان کرد که مدیریت سود می‌تواند از طریق فعالیت‌های واقعی نیز صورت پذیرد. این نوع مدیریت سود از طریق تغییر در فعالیت‌های عملیاتی با هدف گمراه کردن ذینفعان انجام می‌شود و به آن مدیریت سود واقعی گفته می‌شود. دستکاری فعالیت‌های واقعی بر جریان‌های نقدی و در پاره‌ای از موارد بر اقلام تعهدی تأثیر می‌گذارد و باعث دستیابی مدیریت به سود مورد نظر می‌شود. برخی از روش‌های مدیریت سود واقعی عبارتند از کاهش غیر عادی قیمت فروش محصولات به منظور افزایش فروش و یا کاهش مخارج اختیاری در بحران‌های اقتصادی. مطالعات متعددی نشان داده‌اند که مدیران از دستکاری فعالیت‌های واقعی بهره می‌گیرند تا به سودهای هدف‌گذاری شده دست‌یابند (هو و همکاران، ۲۰۱۲).

یکی از مکانیزم‌های جایگزین برای اجتناب از سود غیرمنتظره منفی، مدیریت پیش‌بینی‌های سود است. مدیریت پیش‌بینی‌های سود عبارت است از فرایندی که مدیریت از طریق آن انتظارات سرمایه‌گذاران نسبت به مبلغ سود قابل تحقیق در یک دوره زمانی را کاهش می‌دهد و از این طریق شانس محقق ساختن پیش‌بینی‌های سود را افزایش می‌دهد. تحقیقات انجام شده در این حوزه نیز نشان می‌دهد که مدیران تلاش می‌کنند تا از طریق مدیریت کاهشی انتظارات و پیش‌بینی‌ها، از سود غیر منتظره منفی اجتناب کنند. برای مثال، بارتو و همکاران (۲۰۰۲)

نشان دادند شرکت‌هایی که به مدیریت کاهشی پیش‌بینی‌ها اقدام می‌کنند، در مقایسه با شرکت‌هایی که موفق به انجام این کار نمی‌شوند از بازده بالاتری بهره می‌برند. براگستالر و ایمز (۲۰۰۶) نیز نشان دادند که مدیران از طریق بکارگیری مدیریت کاهشی پیش‌بینی‌ها تلاش می‌کنند از بروز سود غیرمنتظره منفی اجتناب کنند و حتی به سود غیر منتظره مثبت دست‌یابند.

۲-۳- بکارگیری مکانیزم‌های اجتناب از سود غیر منتظره منفی

ادبیات تحقیق نشان می‌دهند که مدیران به منظور محقق ساختن سودهای پیش‌بینی شده از هر سه مکانیزم به صورت مکمل و جایگزین استفاده می‌کنند. از آنجا که بکارگیری هر یک از این روش‌ها هزینه‌هایی را به مدیران شرکت‌ها تحمیل می‌کند، در صورت افزایش هزینه مورد انتظار یک مکانیزم، احتمال جایگزین شدن آن با مکانیزم دیگر افزایش می‌یابد (دویل و همکاران، ۲۰۱۳).

هنگامی که ترتیب و توالی بکارگیری این سه مکانیزم در نظر گرفته می‌شود، به احتمال زیاد شرکت در نخستین مرحله، مکانیزم مدیریت سود افزایشی از طریق اقلام تعهدی اختیاری را بکار خواهد گرفت. زیرا این مکانیزم به مدیران اجازه می‌دهد در محدوده اصول پذیرفته شده حسابداری و بدون آن که حساسیت بیش از حد حساب‌رسان خود را برانگیزند، سود پیش‌بینی شده را محقق کنند.

اما استفاده از اقلام تعهدی اختیاری بدون محدودیت نیست. ممکن است مقدار سودی که برای دستکاری مدنظر است از اقلام تعهدی اختیاری موجود، بیش‌تر باشد، استانداردهای حسابداری و محیط عملیاتی و گزارشگری شرکت، اختیار عمل مدیران در استفاده از اقلام تعهدی را محدود کرده‌اند

۲-۴- ترازنامه متورم

همان‌گونه که پیش از این بیان شد، در مواجهه با سود غیر منتظره منفی، نخستین مکانیزم‌های اجتناب از آن، مدیریت سود افزایشی از طریق ارقام تعهدی اختیاری است. با این وجود، بکارگیری ارقام تعهدی اختیاری دارای محدودیت‌ها و هزینه‌های قابل توجهی است. برای مثال، بارتون و سیمکو (۲۰۰۲) نشان می‌دهند که اطلاعات ترازنامه، مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی اختیاری را محدود می‌کند. با توجه به این که اثر ارقام تعهدی اختیاری استفاده شده در دوره جاری، در دوره (های) مالی بعد معکوس خواهد شد، به واسطه استفاده از ارقام تعهدی اختیاری در دوره‌های گذشته، توانایی مدیریت در دوره جاری برای استفاده از ارقام تعهدی اختیاری، محدود می‌شود. همچنین، از آنجا که ترازنامه تاثیر انتخاب‌های حسابداری در دوره‌های گذشته را تجمیع و انباشت می‌کند، سطح خالص دارایی‌های عملیاتی میزان مدیریت سود در دوره‌های گذشته را منعکس می‌نماید. بر این اساس بارتون و سیمکو (۲۰۰۲) نشان می‌دهند که بیش از واقع بیان شدن خالص دارایی‌ها در ترازنامه، توانایی مدیران برای استفاده از ارقام تعهدی اختیاری افزایشی در دوره جاری را با محدودیت مواجه می‌سازد. به این وضعیت، متورم بودن ترازنامه اطلاق می‌شود.

۲-۵- پیشینه تحقیق

دوویل و همکاران (۲۰۱۳) نشان دادند که شرکت‌ها در زمانی که نتوانند از طریق ارقام تعهدی اختیاری، فعالیت‌های واقعی و مدیریت انتظارات سرمایه‌گذاران، از سود غیرمنتظره منفی اجتناب کنند، تلاش می‌کنند تا از طریق روش‌هایی که بر اساس اصول پذیرفته حسابداری مجاز نیستند، هزینه‌ها را کاهش داده و سود پیش‌بینی شده را محقق سازند.

(بارتون و سیمکو، ۲۰۰۲). در نتیجه، این امکان وجود دارد که مدیران نتوانند از طریق ارقام تعهدی اختیاری در پایان سال به سود مورد نظر خویش دست پیدا کنند. دوویل و همکاران (۲۰۱۳) نشان دادند، پس از طرح دعاوی حقوقی، مدیران استفاده از ارقام تعهدی اختیاری برای مدیریت افزایشی سود را کاهش داده و مدیریت واقعی سود را جایگزین آن می‌کنند زیرا بکارگیری ارقام تعهدی اختیاری خطر طرح دعاوی حقوقی علیه آنان را افزایش می‌دهد.

اگر با وجود بکارگیری مکانیزم نخست، باز هم اجتناب از سود غیر منتظره منفی امکان‌پذیر نباشد، در گام بعدی مدیران از طریق مکانیزم مدیریت کاهش پیش‌بینی‌ها و مدیریت سود واقعی افزایشی تلاش خواهند کرد از سود غیر منتظره منفی اجتناب کنند. یافته‌های براون و پینلو (۲۰۰۷) نشان می‌دهد در زمانی که توانایی مدیران در مدیریت سود افزایشی از طریق ارقام تعهدی اختیاری با محدودیت مواجه است، برای تحقق پیش‌بینی‌های سود از مکانیزم مدیریت کاهش انتظارات بهره ببرند. البته مدیریت کاهش پیش‌بینی‌ها نیز بدون هزینه نیست. کاهش پیش‌بینی‌ها مدیریت و انتظارات سرمایه‌گذاران می‌تواند واکنش منفی بازار را به دنبال داشته باشد.

مدیران می‌توانند در طول سال از طریق دستکاری فعالیت‌های عملیاتی واقعی، از سود غیر منتظره منفی اجتناب کنند. دستکاری‌های فعالیت‌های واقعی، محدودیت خارجی کمتری دارد. مزیت دیگر جایگزین کردن فعالیت‌های واقعی برای دستکاری سود، این است که حساب‌رسان و قانون‌گذاران کم‌تر به چنین رفتارهایی توجه می‌کنند. با این وجود، دستکاری فعالیت‌های واقعی چندان هم بدون هزینه نیست، زیرا این احتمال وجود دارد که جریان‌های نقدی دوره‌های آتی تحت تأثیر تبعات منفی مدیریت سود واقعی قرار گیرد.

بخشیدن سود پیش‌بینی شده برخوردار خواهند بود. اسکندرلی و همکاران (۱۳۹۳) نیز نشان دادند که سرمایه‌گذاران توجه ویژه‌ای به سود پیش‌بینی شده هر سهم دارند و از این ارقام به طور گسترده در مدل‌های تصمیم‌گیری خود برای مبادله سهام شرکت‌ها استفاده می‌کنند. شواهد ارائه شده توسط این محققان به صورت ضمنی حکایت از انگیزه بالای مدیران برای اجتناب از بروز سود غیر منتظره منفی دارد.

۳- فرضیه‌های پژوهش

هنگامی که به واسطه متورم بودن ترازنامه، مدیران برای اجتناب از سود غیر منتظره با استفاده از ارقام تعهدی اختیاری با محدودیت مواجه هستند، به عنوان مکانیزم‌هایی جایگزین، از مدیریت کاهشی پیش‌بینی‌ها یا مدیریت سود واقعی افزایشی استفاده خواهند کرد. به این ترتیب فرضیه‌های تحقیق به صورت زیر بیان می‌شود:

فرضیه ۱: بین مدیریت کاهشی پیش‌بینی‌های سود و بیش از واقع بیان شدن خالص دارایی‌ها (متورم بودن ترازنامه) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

فرضیه ۲: بین مدیریت سود واقعی افزایشی و بیش از واقع بیان شدن خالص دارایی‌ها (متورم بودن ترازنامه) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

۴- روش‌شناسی پژوهش

۴-۱- کلیات روش تحقیق

تحقیق حاضر از منظر هدف کاربردی و از بعد روش، توصیفی-همبستگی است. طرح کلی پژوهش نیمه تجربی و پس‌رویدادی است. همچنین داده‌های مورد استفاده در تحقیق از منابع زیر استخراج شده‌اند:

(۱) صورت‌های مالی حسابرسی شده و یادداشت‌های همراه به منظور استخراج

آنان نشان دادند هزینه‌های مرتبط با بکارگیری بیش از حد ارقام تعهدی اختیاری برای مدیریت سود افزایشی باعث خواهد شد تا مدیران این شرکت‌ها اقدام به جایگزینی مدیریت سود واقعی جهت افزایش سود و اجتناب از سود غیر منتظره منفی بنمایند.

هو و همکاران (۲۰۱۲) در تحقیقی مشابه نشان دادند در زمانی که متورم بودن ترازنامه در اثر استفاده از ارقام تعهدی اختیاری، بکارگیری این ارقام توسط مدیریت را با محدودیت مواجه ساخته است، مدیران تلاش خواهند کرد از طریق مدیریت سود واقعی و همچنین مدیریت کاهشی پیش‌بینی‌ها و انتظارات سود، از بروز سود غیر منتظره منفی اجتناب کنند.

براگستالر و ایمس (۲۰۰۶) نشان دادند که شرکت‌ها از ارقام تعهدی اختیاری و مدیریت کاهشی پیش‌بینی‌ها برای اجتناب از گزارش سود غیر منتظره منفی استفاده می‌کنند. بارتو و سیمکو (۲۰۰۲) نشان دادند در زمانی که استفاده از ارقام تعهدی اختیاری در گذشته باعث شده است ارقام ترازنامه بیش از واقع گزارش شوند، مدیران در استفاده از ارقام تعهدی اختیاری برای اجتناب از سود غیر منتظره منفی دچار محدودیت خواهد شد. در چنین حالتی شرکت‌ها تلاش می‌کنند تا از طریق مدیریت کاهشی پیش‌بینی‌های سود، به پیش‌بینی‌ها دست یابند.

در داخل کشور مهمان و ذوالقدر (۱۳۹۱) نشان دادند، هنگامی که مدیران دریابند نمی‌توانند پیش‌بینی‌های خود را محقق سازند تلاش می‌کنند تا از طریق ارقام تعهدی اختیاری افزایشی و مدیریت سود واقعی، از گزارش سود غیر منتظره منفی خودداری کنند و عملکرد خود را مطابق پیش‌بینی‌ها مطلوب جلوه دهند. مرادزاده فرد و همکاران (۱۳۹۲) نشان دادند که خطای پیش‌بینی سود توسط مدیریت، رابطه معناداری با ارقام تعهدی و ارقام تعهدی اختیاری دارد. به این ترتیب مدیران از انگیزه لازم برای تحقق

با توجه به این معیارها، ۲۴۳ شرکت (مشمول بر ۲،۲۳۳ مشاهده شرکت-سال) به عنوان نمونه نهایی انتخاب شد.

۳-۴- مدل پژوهش و متغیرهای آن

به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق از مدل لوجستیک (۱) استفاده شده است:

مدل (۱)

$$\begin{aligned} \text{Prob}(Depend) = & \alpha_0 + \alpha_1 BBS + \alpha_2 INST \\ & + \alpha_3 LTG + \alpha_4 LOSS + \alpha_5 SIZE \\ & + \alpha_6 MS + \alpha_7 FC + \alpha_8 INDUSTRY \\ & + \alpha_9 YEAR + \varepsilon \end{aligned}$$

فرضیه‌های تحقیق در صورتی تایید خواهند شد که ضریب (α_1) برآوردی برای متغیر مستقل (BBS)، متورم بودن ترازنامه، مثبت و معنادار باشد.

متغیرهای وابسته

در مدل (۱)، $Depend$ متغیری است دو ارزشی که مقدار صفر یا یک را برای متغیر وابسته نشان می‌دهد. متغیرهای وابسته این تحقیق عبارتند از (الف) مدیریت سود واقعی از طریق هزینه‌های تولیدی ($REAL1$)، (ب) مدیریت سود واقعی از طریق مخارج اختیاری ($REAL2$) و (ج) مدیریت کاهش پیش‌بینی سود هر سهم ($DOWN$).

• مدیریت سود واقعی از طریق هزینه‌های تولیدی ($REAL1$)

اگر هزینه‌های تولیدی واقعی بزرگتر از سطح عادی محاسبه شده از مدل (۲) باشد، $REAL1$ برابر است با یک، در غیر این صورت برابر صفر است.

مدل (۲)

$$\begin{aligned} \frac{PROD_{ijt}}{A_{ijt-1}} = & \alpha_{jt} \left[\frac{1}{A_{ijt-1}} \right] + \beta_{1jt} \left[\frac{SALES_{ijt}}{A_{ijt-1}} \right] \\ & + \beta_{2jt} \left[\frac{\Delta SALES_{ijt}}{A_{ijt-1}} \right] + \beta_{3jt} \left[\frac{\Delta SALES_{ijt-1}}{A_{ijt-1}} \right] + \varepsilon_{ijt} \end{aligned}$$

داده‌های مربوط به اقلام ترازنامه؛ صورت سود و زیان و جریان‌های نقدی و درصد مالکیت سهامداران

(۲) گزارش‌های هیات مدیره به مجامع جهت استخراج داده‌های مربوط به پیش‌بینی‌های مدیریت.

(۳) اطلاعات منتشر شده توسط بورس و اوراق بهادار به منظور تعیین نوع مالکیت سهامداران و طبقه‌بندی صنایع.

با توجه به ماهیت تابلویی داده‌های تحقیق (پانل دیتا)، به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق از روش رگرسیون لوجستیک با اثرات ثابت استفاده شده است و به این منظور از نرم افزار Stata بهره گرفته شده است. استفاده از رگرسیون لوجستیک با اثرات ثابت این امکان را فراهم می‌آورد تا اثرات متغیرهای اندازه‌گیری نشده بر متغیر وابسته به شکل دقیقی کنترل شود.

۲-۴- جامعه و نمونه تحقیق

جامعه آماری این تحقیق کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی دوره زمانی ۱۳۹۱-۱۳۸۰ است. نمونه تحقیق شامل کلیه اعضای جامعه آماری است که حائز معیارهای زیر باشند:

(۱) دوره مالی آنها منتهی به پایان اسفند ماه باشد و در طی دوره تحقیق تغییر دوره مالی نداده باشند.

(۲) فعالیت شرکت از نوع تولیدی باشد.

(۳) اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه متغیرها در دسترس باشد.

بزرگتر باشد نشان دهنده بیش از واقع بیان شدن خالص دارایی‌های شرکت و متورم‌تر بودن ترازنامه است.

مدل (۵)

$$BBS_{it} = NOA_{it} / Sales_{it}$$

در مدل (۵)، NOA نشان دهنده خالص دارایی‌های عملیاتی شرکت است که حاصل مجموع دارایی‌ها و بدهی‌های بهره‌دار منهای مجموع وجه نقد و سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت است.

متغیرهای کنترلی

- از آنجا که سرمایه‌گذاران نهادی تمایل و قدرت بیشتری برای فشار بر مدیریت جهت تحقق پیش‌بینی سود هر سهم دارند، انتظار می‌رود در شرکت‌های با سهم بیشتر مالکان نهادی، تلاش مدیریت برای اجتناب از سود غیر منتظره منفی نیز بیشتر باشد. مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی ($INST$) از طریق درصد کل مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی اندازه‌گیری شده است (ماتسوماتو، ۲۰۰۲).
- واکنش بازار به سود غیر منتظره منفی شرکت‌های با فرصت رشد بزرگتر، در مقایسه با سایر شرکت‌ها، بیشتر است (اسکینر و اسون، ۲۰۰۲). نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به عنوان نماینده فرصت رشد شرکت (LTG) در نظر گرفته شده است.
- از آنجا که مدیران شرکت‌های زیان‌ده احتمال کمتری دارد که دست به فعالیت‌هایی برای اجتناب از سود غیر منتظره منفی بزنند، گزارش زیان ($LOSS$) در دو سال گذشته کنترل شده است (ماتسوماتو، ۲۰۰۲). در صورتی که در شرکت در دو سال گذشته زیان گزارش کرده باشد، $LOSS$ برابر یک و در غیر این صورت صفر است.

• مدیریت سود واقعی از طریق مخارج اختیاری (REAL2).

اگر مخارج اختیاری کمتر از سطح عادی محاسبه شده از مدل (۳) باشد، $REAL2$ برابر است با یک است در غیر این صورت برابر صفر است.

مدل (۳)

$$\frac{DISEXP_{ijt}}{A_{ijt-1}} = \alpha_{jt} \left[\frac{1}{A_{ijt-1}} \right] + \beta_{1jt} \left[\frac{SALES_{ijt-1}}{A_{ijt-1}} \right] + \varepsilon_{ijt}$$

در مدل‌های (۲) و (۳) متغیرها عبارتند از: $PROD_{ijt}$ بهای تمام شده تولید برای شرکت i در دوره t . که از طریق مجموع بهای تمام شده کالای فروش رفته و تغییرات در موجودی‌ها اندازه‌گیری می‌شود؛ A کل دارایی‌ها؛ $SALES$ درآمد فروش؛ $DISEXP$ مخارج اختیاری شامل مجموع هزینه تبلیغات و هزینه‌های توزیع و فروش است. مدل‌های (۲) و (۳) در سطح صنعت-سال و با شرط حداقل ۱۰ شرکت در هر صنعت-سال برآورد شده‌اند.

• کاهش سود پیش‌بینی سود هر سهم (DOWN).

مشابه بارتو (۲۰۰۲)، در صورتی پیش‌بینی مدیریت از سود هر سهم کاهش در نظر گرفته می‌شود که مدل (۴) برقرار باشد:

مدل (۴)

آخرین پیش‌بینی $EPS \geq EPS$ تحقق یافته > اولین پیش‌بینی EPS

در صورتی که شرایط مدل (۴) برقرار باشد، $DOWN$ مقدار یک را اختیار خواهد کرد و در غیر این صورت مقدار آن صفر خواهد بود.

متغیر مستقل

متورم بودن ترازنامه (BBS) با استفاده از مدل (۵) اندازه‌گیری می‌شود. به این ترتیب هرچه مقدار BBS

۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- آماره‌های توصیفی

آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق در نگاره (۱) ارائه شده‌است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که تقریباً ۴۴ درصد اعضای نمونه (معادل ۹۸۷ مشاهده از میان ۲۲۳۳ شرکت-سال)، پیش‌بینی‌های سود خود را مدیریت کاهش کرده‌اند. میانگین $0/465$ برای متغیر *REALI* به این معنی است حدود ۴۷ درصد مشاهدات موجود در نمونه تحقیق از طریق کاهش بهای تمام‌شده کالای فروش‌رفته، سود خود را افزایش داده‌اند. همچنین حدود ۵۷ درصد مشاهدات نمونه ($REAL2=0/573$) از طریق کاهش هزینه‌های اختیاری، مانند هزینه تبلیغات و توزیع فروش، مدیریت سود افزایشی داشته‌اند.

به طور متوسط، خالص دارایی‌های عملیاتی شرکت، بیش از سه برابر درآمد فروش شرکت بوده است. حدود ۵۱ درصد سهام شرکت‌ها در اختیار سهامداران نهادی شرکت بوده‌است. با توجه به میانگین ۲۸ درصدی نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری شرکت‌ها، می‌توان انتظار داشت که در نمونه مورد بررسی فرصت رشد زیاد است. حدود ۱۶ درصد مشاهدات نمونه در طی سنوات قبل زیان گزارش کرده‌اند. همچنین مقدار به دست آمده برای متغیر سهم بازار محصول نشان می‌دهد که وضعیت تمرکز در بازار محصول حاکم است.

نگاره (۲): همبستگی‌های میان متغیرهای توضیحی تحقیق را نشان می‌دهد. هرچند اغلب همبستگی‌های میان متغیرهای توضیحی از نظر آماری معنادار است اما مقدار پایین همبستگی‌ها بیانگر این است که هم خطی بین متغیرهای مستقل چندان جدی نیست.

- شرکت‌های بزرگتر بیشتر در معرض دید مشارکت‌کنندگان در بازار سرمایه، به ویژه سرمایه‌گذاران، قرار دارند. در نتیجه مدیران این شرکت‌ها انگیزه بیشتری برای تحقق پیش‌بینی‌های خود و اجتناب از سود غیرمنتظره منفی دارند (بروان و پینلو، ۲۰۰۷). اندازه شرکت (*SIZE*) از طریق لگاریتم ارزش بازار سهام شرکت در ابتدای دوره اندازه‌گیری شده‌است.
- پیامدهای مدیریت سود واقعی برای شرکت‌هایی که سهم بیشتری از بازار محصول را در اختیار دارند، کمتر است بنابراین احتمالاً مدیران این شرکت‌ها، تمایل بیشتری به استفاده از مدیریت سود واقعی برای اجتناب از سود غیرمنتظره منفی دارند (دویل و همکاران، ۲۰۱۳). سهم بازار (*MS*)، از طریق تقسیم فروش شرکت در سال *t* تقسیم بر فروش کل صنعت فعالیت شرکت در سال محاسبه شده‌است.
- ساختار هزینه‌های تولیدی شرکت می‌تواند تمایل شرکت به استفاده از مدیریت سود واقعی را تحت تاثیر قرار دهد. مدیران شرکت‌های با اهرم عملیاتی بزرگتر (هزینه‌های ثابت بیشتر) تمایل بیشتری برای مدیریت سود واقعی دارند. هزینه‌های ثابت (*FC*) از طریق تقسیم دارایی‌های ثابت مشهود بر فروش محاسبه شده‌است (دویل و همکاران، ۲۰۱۳).
- متغیری مجازی (*INDUSTRY*) برای کنترل اثرات صنعت بر مبنای طبقه‌بندی صنعت.
- متغیری مجازی (*YEAR*) برای کنترل اثرات دوره‌های مالی.

نگاره (۱): آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف معیار	میانه	%۲۵	%۷۵
DOWN	۰/۴۴۲	۰/۴۹۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
REAL1	۰/۴۶۵	۰/۴۹۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
REAL2	۰/۵۷۳	۰/۴۹۵	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
BBS	۳/۳۳۹	۴/۸۹۲	۲/۱۱۸	۱/۲۱۲	۳/۵۹۱
INST	۰/۵۱۱	۰/۲۴۱	۰/۴۷۷	۰/۳۰۱	۰/۶۹۹
LTG	۰/۲۸۱	۲/۰۹۰	۰/۴۶۵	۰/۲۳۰	۰/۸۳۶
LOSS	۰/۱۶۲	۰/۳۶۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
SIZE	۵/۴۴۵	۰/۶۸۹	۵/۳۹۳	۵/۰۲۴	۵/۸۲۵
MS	۰/۲۴۹	۰/۲۱۴	۰/۱۷۵	۰/۱۱۰	۰/۲۷۶
FC	۰/۲۹۴	۰/۴۹۱	۰/۲۲۲	۰/۱۲۲	۰/۴۱۶

DOWN کاهش‌ی بودن پیش‌بینی سود هر سهم؛ REAL1 مدیریت واقعی سود از طریق هزینه‌های تولیدی؛ REAL2 مدیریت سود از طریق مخارج اختیازی؛ BBS متورم بودن ترازنامه؛ INST درصد مالکیت نهادهی؛ LTG فرصت رشد؛ LOSS گزارش زیان؛ SIZE اندازه شرکت؛ MS سهم بازار محصول؛ FC سهم هزینه‌های ثابت

نگاره (۲): همبستگی بین متغیرهای توضیحی

متغیر	BBS	INST	LTG	LOSS	SIZE	MS	FC
BBS							
INST	۰/۰۴۳*						
LTG	۰/۰۶۵**	۰/۰۴۱*					
LOSS	۰/۰۱۸۷**	۰/۰۴۷۲**	۰/۰۷۱**				
SIZE	۰/۰۸۴**	۰/۰۷۶۳**	۰/۰۲۵۶**	۰/۰۳۲۵**			
MS	۰/۰۱۲۵**	۰/۰۳۸۹**	۰/۰۱۱	۰/۰۳۹۳**	۰/۰۷۱**		
FC	۰/۰۵۴۵**	۰/۰۱۸	۰/۰۶۸*	۰/۰۲۲۷**	۰/۰۰۷۶*	۰/۰۰۸۹**	

*, ** همبستگی‌ها به ترتیب در سطح ۵٪ و ۱٪ معنادار هستند.

۲-۵ نتایج آزمون فرضیه‌ها

نگاره (۳) نتایج مربوط به آزمون فرضیه‌های تحقیق در قالب ضرایب برآوردی برای رگرسیون لوجستیک را نمایش می‌دهد. نخستین فرضیه تحقیق پیش‌بینی می‌کرد که احتمال اقدام به مدیریت کاهش‌ی پیش‌بینی‌های سود، رابطه مثبت و معناداری با میزان متورم بودن (بیش از واقع بیان شدن ارقام) ترازنامه دارد. بر اساس نتایج ارائه شده در نخستین ستون نگاره (۳) مشاهده می‌شود که ضریب برآوردی برای

متغیر متورم بودن ترازنامه (BBS) برابر با ۰/۰۲۵ است و از نظر آماری در سطح ۰/۰۱ معنادار است. به این معنی که با افزایش میزان متورم بودن ترازنامه، احتمال مدیریت کاهش‌ی پیش‌بینی‌های سود افزایش می‌یابد. به این ترتیب، هنگامی که مدیران به واسطه متورم بودن ترازنامه، در بکارگیری اقلام تعهدی اختیاری دچار محدودیت می‌شوند، تلاش خواهند کرد تا از طریق مدیریت کاهش‌ی پیش‌بینی‌های سود، از بروز سود غیر منتظره منفی اجتناب کنند.

انگیزه‌های بیشتری دارند تا با کاهش انتظارات، از بروز سود غیر منتظره منفی اجتناب کنند.

دومین ستون نگاره (۳)، نتایج حاصل از رگرسیون لوجستیکی را نشان می‌دهد که متغیر وابسته آن از طریق مدیریت سود واقعی با بهره‌گیری از هزینه‌های تولیدی اندازه‌گیری شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، ضریب برآوردی برای متغیر *BBS* برابر با $0/056$ است که مطابق با فرضیه دوم، مثبت و از نظر آماری در سطح $0/01$ معنادار است. به این معنی که هر چه ترازنامه متورم‌تر باشد، احتمال استفاده از مدیریت سود واقعی با بهره‌گیری از هزینه‌های تولیدی برای افزایش تصنعی سود، بیشتر خواهد شد. به این معنی که در زمان وجود محدودیت برای بکارگیری ارقام تعهدی اختیاری، مدیر شرکت تلاش خواهد کرد از طریق مدیریت هزینه‌های تولیدی واقعی سود گزارش شده را افزایش داده و از بروز سود غیر منتظره منفی اجتناب کند.

در حالی که تفاسیر ارائه شده برای متغیرهای کنترلی فرضیه نخست تحقیق، در خصوص دومین فرضیه نیز کماکان پایرجا است، ضرایب برآوردی برای دو متغیر کنترلی اضافی مربوط به مدیریت سود واقعی نشان می‌دهد که بین سهم بازار محصول و اقدام به مدیریت واقعی سود، رابطه معناداری وجود ندارد. با این وجود در زمانی که سهم هزینه‌های ثابت در بهای تمام شده افزایش می‌یابد، تمایل شرکت‌ها به مدیریت سود از طریق هزینه‌های واقعی افزایش می‌یابد. چرا که در این شرکت‌ها افزایش تولید، به معنی کاهش هزینه نهایی تولید خواهد بود.

آخرین ستون نگاره (۳)، ضرایب برآوردی برای رگرسیون لوجستیکی را نشان می‌دهد که متغیر وابسته آن مدیریت سود از طریق هزینه‌های اختیاری غیر تولیدی است. در این مورد نیز ضریب برآوردی برای خالص دارایی‌های عملیاتی (*BBS*) که نشان دهنده

همچنین، نتایج مربوط به برآورد ضرایب متغیرهای کنترلی مربوط به فرضیه نخست تحقیق در نگاره (۳) ارائه شده است. بر این اساس مشاهده می‌شود که مطابق با پیش‌بینی‌ها، ضریب برآوردی برای متغیر مالکیت سهامداران نهادی (*INST*)، مثبت و از نظر آماری معنادار است. به این معنی که سهم بیشتر مالکان نهادی در شرکت‌ها باعث می‌شود فشار بر (تمایل) مدیریت برای اجتناب از سود غیر منتظره منفی افزایش یابد و به این دلیل مدیریت تلاش خواهد کرد تا از طریق مدیریت کاهشی پیش‌بینی‌ها، از گزارش سود غیر منتظره منفی اجتناب کند.

همان‌گونه که انتظار می‌رفت رابطه مستقیمی بین فرصت‌های رشد و مدیریت کاهشی پیش‌بینی‌های سود وجود دارد. با توجه به این که مقادیر کوچکتر نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام (*LTG*) نشان دهنده فرصت رشد بیشتر است، ضریب منفی برآوردی برای این متغیر نشان می‌دهد، هر چه فرصت‌های رشد شرکت بیشتر باشد، مدیریت شرکت تلاش بیشتری خواهد کرد تا از طریق مدیریت کاهشی پیش‌بینی‌های سود، از بروز سود غیر منتظره منفی اجتناب کند.

ضریب برآوردی برای متغیر گزارش زیان (*LOSS*) منفی است. به این معنی که با گزارش زیان، شرکت‌ها تمایل کمتری به مدیریت کاهشی پیش‌بینی‌ها دارند. در زمانی که شرکت زیان‌ده است، انگیزه مدیریت برای دستیابی به پیش‌بینی سود چندان زیاد نخواهد بود چرا که زیان‌ده بودن شرکت واکنش منفی بازار را در پی دارد. علاوه بر آن، ضریب برآوردی برای متغیر اندازه شرکت (*SIZE*) نیز نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معناداری بین مدیریت کاهشی پیش‌بینی‌ها و اندازه شرکت وجود دارد. زیرا شرکت‌های بزرگتر به واسطه تمرکز بیشتر مشارکت‌کنندگان در بازار سرمایه بر عملکرد آنها،

متورم بودن ترازنامه است، مثبت و از نظر آماری معنادار است که به معنی افزایش احتمال استفاده از مدیریت سود واقعی افزایشی در زمان متورم بودن ترازنامه است. نتایج مربوط به متغیرهای کنترلی مشابه تحلیل‌هایی است که در خصوص دو مدل دیگر ارائه شد.

نگاره (۳): نتایج رگرسیون لوجستیک آزمون فرضیه‌ها

مدیریت سود واقعی از طریق هزینه‌های اختیاری (<i>REAL2</i>)		مدیریت سود واقعی از طریق هزینه‌های تولیدی (<i>REAL1</i>)		مدیریت کاهشی پیش‌بینی سود		علامت مورد انتظار	متغیر
آماره z	ضریب	آماره z	ضریب	آماره z	ضریب		
۴/۲۱۱	۰/۵۶۳**	۱/۶۴۹	۰/۳۶۹*	۷/۲۵۶	۰/۷۱۳**	-/+	عرض از مبدا
۳/۳۷۶	۰/۰۷۹۱**	۵/۷۴۴	۰/۰۵۶**	۴/۹۸۱	۰/۰۲۵**	+	BBS
۳/۸۳۰	۰/۲۸۷**	۳/۲۸۱	۰/۱۹۲**	۱/۶۲۵	۰/۰۹۹*	+	INST
-۶/۲۰۴	-۰/۳۴۵**	-۳/۴۹۳	-۰/۷۵۴**	-۳/۱۸۳	-۰/۲۷۹**	-	LTG
-۵/۴۴۹	-۰/۶۷۸**	-۹/۲۴۷	-۰/۴۹۲**	-۱۳/۶۳۲	-۰/۶۹۱**	-	LOSS
۷/۲۴۱	۰/۲۹۱**	۱۴/۴۰۶	۰/۰۹۶**	۹/۸۲۷	۰/۰۶۶**	+	SIZE
۰/۵۷۳	۰/۰۰۲	۰/۷۶۲	۰/۰۷۴			+	MS
		۳/۱۱۸	۰/۰۶۱**			+	FC
	۰/۲۲۲		۰/۲۱۴		۰/۱۷۶		Pseudo R ²
	۰/۸۵۰		۰/۷۸۴		۰/۷۷۱		ROC

DOWN کاهشی بودن پیش‌بینی سود هر سهم؛ *REAL1* مدیریت واقعی سود از طریق هزینه‌های تولیدی؛ *REAL2* مدیریت سود از طریق مخارج اختیازی؛ *BBS* متورم بودن ترازنامه؛ *INST* درصد مالکیت نهادی؛ *LTG* فرصت رشد؛ *LOSS* گزارش زیان؛ *SIZE* اندازه شرکت؛ *MS* سهم بازار محصول؛ *FC* سهم هزینه‌های ثابت.

*, **, * ضرایب به ترتیب در سطح ۵٪ و ۱٪ معنادار هستند.

۶- نتیجه‌گیری و بحث

استفاده از ارقام تعهدی اختیاری برای دستکاری تصنعی در سود برخوردار نیستند. به ویژه آن که استفاده از ارقام تعهدی اختیاری در ترازنامه منعکس و انباشته خواهد شد و این موضوع توانایی مدیریت در بکارگیری ارقام تعهدی را محدودتر خواهد ساخت. ماهیت ارقام تعهدی به گونه‌ای است که اثرات آنها در دوره‌های بعد معکوس خواهد شد. در نتیجه این عوامل باعث خواهد شد که توانایی و تمایل مدیریت در بکارگیری ارقام تعهدی اختیاری رابطه معکوسی با میزان استفاده از این ارقام در دوره‌های گذشته داشته باشد. مطابق با این پیش‌بینی‌ها، نتایج به دست

در این مقاله نقش ترازنامه به عنوان عاملی محدود کننده در مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی اختیاری و همچنین تأثیری بر موازنه بین مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی اختیاری، مدیریت سود واقعی و مدیریت کاهشی پیش‌بینی سود در جهت اجتناب از گزارش سود غیر منتظره منفی می‌گذارد، مطالعه شد. تحقیقات پیشین مانند بارتون و سیمکو (۲۰۰۲) و هو و همکاران (۲۰۱۲) نشان دادند که به واسطه محدودیت‌های تحمیلی از سوی اصول پذیرفته شده حسابداری، مدیران شرکت‌ها از توانایی نامحدودی در

حسابرسی مدیریت، سال سوم، شماره ۱۰، ۱۱۷-۱۳۳.

* مرادزاده فرد مهدی، زهرا علی پوردرویشی و نظری هماد (۱۳۹۲). بررسی خطای پیش بینی سود مدیریت و محتوای اطلاعاتی ارقام تعهدی در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال دوم، شماره ۷، ۱۵-۲۸.

* رحمانی، علی، بشیری منش، نازنین، شاهرخی، سیده سمانه (۱۳۹۱). بررسی اثر انتشار پیش‌بینی سود بر ضریب واکنش سود آینده، دانش حسابداری، سال سوم، شماره ۱۰، ۲۹-۵۰.

- * Barton, J., & Simko, P. (2002). The balance sheet as an earnings management constraint, *The Accounting Review*, 77(S-1), 1-27.
- * Bartov, E., Givoly, D., & Hayn, C. (2002). The rewards to meeting or beating earnings expectations". *Journal of Accounting and Economics*, 33(2), 173-204.
- * Brown, L. (1997). Analyst forecasting errors: additional evidence. *Financial Analysts Journal*, 53(6), 81-8.
- * Brown, L., & Pinello, A. (2007). To what extent does the financial reporting process curb earnings surprise games?. *Journal of Accounting Research*, 45(5), pp. 947-81.
- * Burgstahler, D., & Eames, M. (2006). Management of earnings and analysts' forecasts to achieve zero and small positive earnings surprises. *Journal of Business Finance & Accounting*, 33(5/6), 633-52.
- * Doyle, J.T., Jennings, J.N., & Soliman, M.T. (2013). Do managers define non-GAAP earnings to meet or beat analyst forecasts?. *Journal of Accounting and Economics*, 56(1), 40-56.
- * Gunny, K., (2010). The relation between earnings management using real activities manipulation and future performance: evidence from meeting earnings benchmarks. *Contemporary Accounting Research*, 27(3), 855-888.
- * Healy, P., & Wahlen, J. (1999). A review of the earnings management literature and its implications for standard setting. *Accounting Horizons*, 13(4), 365-83.
- * Ho, L.J., Liu C.S., & Ouyang, B. (2012). Bloated balance sheet, earnings

آمده مدل‌های رگرسیون لوجستیک با اثرات ثابت نشان داد هر چه که ترازنامه به واسطه استفاده از ارقام تعهدی اختیاری متورم‌تر باشد، احتمال استفاده شرکت از مدیریت کاهش پیش‌بینی‌ها سود و مدیریت سود واقعی افزایشی، بیشتر خواهد شد. تلاش مدیران در افزایش تصنعی سود با استفاده از ارقام تعهدی اختیاری افزایشی، مدیریت سود واقعی افزایشی و مدیریت کاهش پیش‌بینی‌ها در جهت اجتناب از گزارش سود غیر منتظره و پیامدهای منفی ناشی از آن صورت می‌گیرد. نتایج به دست آمده در این تحقیق با مبانی نظری و سایر تحقیقات انجام شده در این زمینه سازگار است. برای مثال، هو و همکاران (۲۰۱۲) نشان دادند در زمانی مدیران شرکت‌ها در استفاده از ارقام تعهدی اختیاری افزایشی با محدودیت مواجه هستند، به منظور اجتناب از سودهای غیر منتظره منفی از مدیریت سود واقعی افزایشی و مدیریت کاهش پیش‌بینی‌ها استفاده بیشتری می‌کنند. لازم به ذکر است، روش استاندارد برای تعیین مدیریت کاهش پیش‌بینی‌ها (انتظارات) سود، استفاده از پیش‌بینی‌های سود توسط تحلیل‌گران بازار سرمایه است و عدم وجود پایگاه اطلاعاتی در بازار سرمایه ایران که پیش‌بینی‌های ارائه شده توسط تحلیل‌گران را نگهداری کند، محدودیت‌هایی هستند که باعث شد تا در این تحقیق از پیش‌بینی‌های سود توسط مدیران استفاده شود. هرچند این جایگزینی از پشتیبانی نظری برخوردار است، با این وجود ممکن است نتایج تحقیق تا حدودی متأثر از این جایگزینی باشد.

۸- فهرست منابع

- * اسکندرلی طاهره، محسن دستگیر و محمدحسین قائمی. (۱۳۹۳). بررسی آثار پیش‌بینی‌های سود توسط مدیران، فصلنامه دانش حسابداری و

- management, and forecast guidance. *Review of Accounting and Finance*, 11(2), 120-140.
- * Kasznik, R., & McNichols, M. (2002). Does meeting earnings expectations matter? Evidence from analyst forecast revisions and share prices. *Journal of Accounting Research*, 40(3), 727-59.
 - * Matsumoto, D. (2002). Management's incentives to avoid negative earnings surprises. *The Accounting Review*, 77(3), 483-514.
 - * Roychowdhury, S. (2006). Earnings management through real activities manipulation. *Journal of Accounting and Economics*, 42(3), 335-70.
 - * Schipper, K. (1989). Commentary on earnings management. *Accounting Horizons*, 3(4), 91-102.
 - * Skinner, D., & Sloan, R. (2002). Earnings surprises, growth expectations, and stock returns or don't let an earnings torpedo sink your portfolio. *Review of Accounting Studies*, 7(2-3), 289-312.

یادداشت‌ها

1. Doyle, Jennings, and Soliman
2. Ho, Liu, and Ouyang
3. Gunny
4. Negative Earnings Surprises
5. Manage Earnings Expectations Downward
6. Bartov, Givoly, and Hayn.
7. Matsumoto
8. Barton and Simko
9. Burgstahler and Eames
10. Brown
11. Kasznik and McNichols
12. Skinner and Sloan
13. Schipper
14. Healy and Wahlen
15. Roychowdhury